شهرآرا

روزنامه شهر امید و زندگی
SHAHRARANEWS.IR
شنبه
۱۱ ۰۲ ۱۴۰۰
۲۴ صفحه، ۸ صفحه + ۴ صفحه + ۴ صفحه ورزشی
۸ صفحه شهرآرا محله + ۴ صفحه زندگی نو
سال دوازدهم | شماره ۳۳۷۴ | ۱۰۰۰ تومان
میثاق‌نامه اخلاق حرفه‌ای

روزنامه فرهنگی- اجتماعی- اطلاع رسانی
صاحب امتیاز: شهرداری مشهد
مدیر مسئول: سید هادی فیاضی
سردبیر: ارژنگ حاتمی
نشانی: میدان شهدا، نبش دانشگاه ۱
دفتر مرکزی: ۵ - ۳۷۲۸۸۸۸۱
نمابر: ۳۷۲۳۸۳۱۰
روابط عمومی: ۳۷۲۴۳۱۱۰
شماره پیامک: ۳۰۰۰۷۲۸۹
چاپ: شهر چاپ خراسان

حدیث روز

شخص دانا و هوشیار از هر حادثه‌ای پندی می گیرد.

امام موسی کاظم(ع)

رطوبت هوا ۵۴٪
۲۷° ↑ ۱۴° ↓
صبح ۲۲ | ظهر ۲۶ | عصر ۱۹ | شب ۱۷

اذان ظهر ۱۲:۲۸:۳۶ | نیمه شب شرعی ۲۳:۴۱:۲۶
غروب آفتاب ۱۹:۱۹:۰۷ | اذان صبح فردا ۰۴:۰۲:۱۸
اذان مغرب ۱۹:۳۸:۳۸ | طلوع آفتاب فردا ۰۵:۳۷:۰۱

بوی بهبود ز اوضاع جهان می‌شنوم

ادامه یادداشت از صفحه ۱

...برای نمونه، فلان مسئول وچند عضو شورای شهر بهمان منطقه، به واکسن پاکبان های شریف دست درازی کردند اما به لطف هوشیاری مردم و اطلاع رسانی شبکه های اجتماعی، سوءاستفاده‌چی ها بی آبرو شدند.

در این میان، اگر به بیرون از مرزهای خودمان هم سرک بکشیم، می بینیم که امیدواری هایی در راه است. از منطقه همیشه پرآشوب غرب آسیا خبر می رسد که محمد، پسر سلمان -شاه سعودی- از دوستی با ایرانی ها سخن گفته است. این همان جوانکی است که تا وقتی سایه عمو ترامپ را بر بالای سر خودش می دید، برای ایرانیان رجز می خواند و می خواست نسخه یمنی ها را هم سه سوته بپیچد، اما برایند «میدان + دیپلماسی» در ایران، جوانک خام را گویا سر عقل آورده است. برادران عراقی ما وظیفه میانجیگری را میان تهران و ریاض برعهده گرفته اند و خبرهای نه‌چندان رسمی، بیانگر رسیدن به پیشرفت هایی در این باره است.

هم‌زمان از وین خبر می رسد که برجام در آستانه احیا شدن است که به عنوان گام نخست، تحریم های ضد ایرانی که براساس برجام برداشته شده و ترامپ، آن را برگردانده بود، حذف می شود.

خبر خوب تر اینکه مردان دیپلماسی کشورمان که با پشتوانه غنی سازی ۶۰ درصدی به پای میز مذاکره وین رفته بودند، توانسته اند طرف غربی آن سوی میز را مجاب کنند که برنامه های دفاعی و موشکی ایران مذاکره پذیر نیست و قرار نیست درباره چیز تازه ای به نام «برجام پلاس» گفت وگو شود.

بی خود نیست که صهیونیست ها در تل آویو و سراسر جهان، این روزها به جلزوولز افتاده اند و به یک پیشگویی از کتاب حزقیال استناد می کنند که در آخرالزمان، «اسرائیل تنها می ماند» و «هیچ کس را ندارد، به جز خدا»(!)

کوتاه سخن اینکه خبر حذف تحریم های ظالمانه، در آینده نه چندان دور، خبر خوبی است؛ اگر بداندیشان بگذارند تحقق یابد.

البته نباید فراموش کنیم که این مهم، دستاورد بزرگ فرزندان این سرزمین در عرصه های «میدان و دیپلماسی» است که باید هوشیاری و مجاهدت و درایت و فهمشان را از توازن قوا و روابط بین الملل و مناسبات دنیای امروز، ارج بگذاریم و قدردان همه شان باشیم.

کیوسک

وال‌استریت‌ژورنال

این روزنامه اقتصادی چاپ آمریکا در مطلبی با تیتر «بازگشت اقتصاد آمریکا به نزدیکی نقطه اوج خود»، نوشته است که در چهار ماه اول سال ۲۰۲۱، میزان رشد اقتصادی آمریکا چنان چشمگیر بوده است که تنها کمی با نقطه اوج خود، پیش از شروع همه گیری کرونا در این کشور فاصله دارد. در این مطلب آمده است: «این رشد سریع، نتیجه افزایش خرید ها و بازگشت مصرف کنندگان به بازار آمریکاست.»

ساوث‌چاینا مورنینگ‌پست

پس از آنکه جو بایدن، رئیس جمهور آمریکا، در اولین سخنرانی خود در کنگره با اشاره به تهدیدها ازسوی چین، متعهد شد که حضور نظامی آمریکا را در هند و پاسیفیک حفظ کند، مقامات چین به این سخنان واکنش نشان دادند. در همین زمینه، روزنامه ساوث چاینا مورنینگ پست، به نقل از مقامات بلندپایه چین نوشته است: «افزایش گشت های دریایی آمریکا در نزدیکی چین، خطر رویارویی نیروهای نظامی دو کشور را زیاد می کند.»

گاردین

روزنامه گاردین در مطلبی با تیتر «به چالش کشیدن جانسون برای مخالفت او با انجام تحقیقات درمورد همه گیری کرونا»، می‌نویسد: بسیاری از اندیشکده های دولتی و مطرح بریتانیا، از بوریس جانسون، نخست وزیر این کشور، خواسته اند که به سرعت روند تحقیقات درباره شیوه مدیریت بحران کرونا در این کشور را آغاز کند. پیش‌تر از این، جانسون در پاسخ به درخواست گروه‌های مردمی برای این تحقیقات، گفته بود که دولت کارهای مهم‌تری برای انجام دارد.

کارتون + شرح

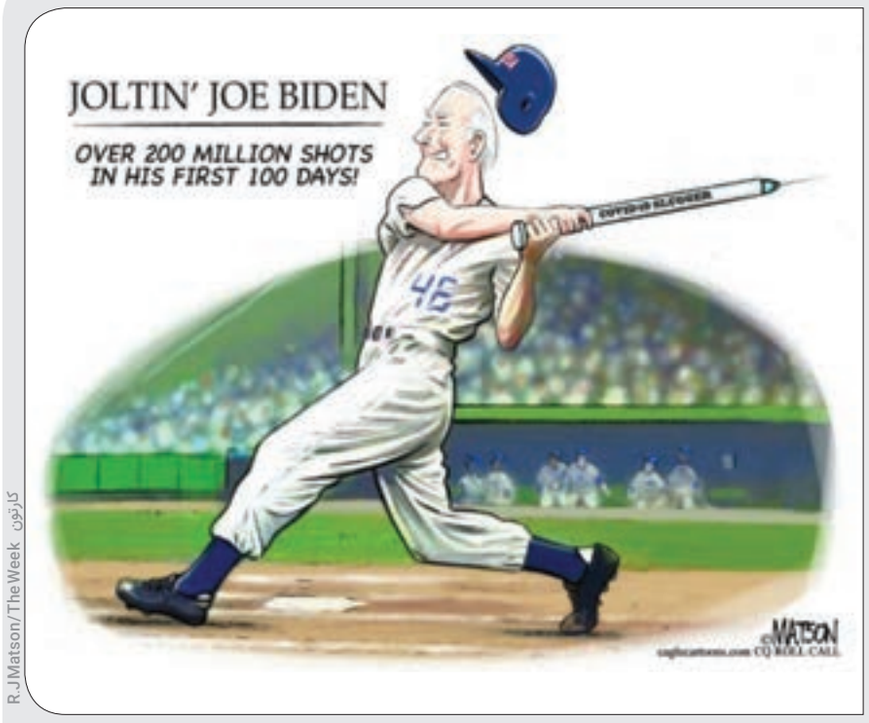

پرتاب کننده افسانه‌ای و مدافع فرتوت

امیرمنصور رحیمیان | دوستی به شوخی می‌گفت: «همه‌چیز همان ۱۰۰ سال اولش سخت است.». بعد هم بلند بلند به حرفی که خودش زده بود، می خندید. شوخی ای که در کوچه و خیابان ریشه دوانده است و همه ما هم شنیده ایم. ۱۰۰ سال اولی که اکثرا نمی بینیم؛ چون اگر خیلی شانس بیاوریم و در بهترین حالت ممکن، دهه هشتم یا نهم زندگی را می توانیم ببینیم. در دنیای سیاست هم به پیروی از این موضوع، مانعی با مقیاس کوچک تر درست کرده اند. همین داستان ۱۰۰ روز اول را می گویم. ریشه این وعده انتخاباتی را نتوانستم پیدا بکنم و دقیق نمی دانم این موضوع از شوخی های کوچه و بازار به سیاست راه پیدا کرده یا از سیاست به فرهنگ مردم در کوچه و بازار سرایت کرده است، به هرحال رسم عجیب و غریبی است که ظاهرا بین تمام سیاست مداران جهان هم باب شده است. هرکس که قصد دارد با رای اکثریت، منصبی را از صندوق های رای بیرون بکشد، برای خوشامد ملتی که قرار است به او رای بدهند، وعده صدروزه ای را می دهد. در این وعده صدروزه هم مشخص می کند که اگر مردم او را به این منصب برسانند، فلان کار را سامان می دهد و بهمان چیز را به نتیجه می رساند. وعده ای که در اکثر مواقع به دلیل شرایطی که مدیریت آن در دست آدم ها نیست یا مخالفت با منافع برخی جریان ها، عقیم می ماند و درست از آب درنمی آید. در همه جای دنیا هم این قضیه مصداق دارد، ولی بعضی از این قول وقرارها آن قدر بزرگ و دور از ذهن هستند که هرکسی می تواند حدس بزند شدنی هستند یا نه. «جو بایدن»، رئیس جمهور تازه وارد آمریکا، هم مثل خیلی از هم قطارانش در همه جای دنیا، برای نشان دادن کارآمدی دولتش، وعده هایی داد که امروز بعد از گذشت ۱۰۰ روز از دولتش، مردم آن ها را بازخواست می کنند؛ وعده هایی که تعدادی از آن ها محقق شده است و تعدادی دیگر دورتر از دسترس او و سیاست مداران دولتش قرار گرفته است. اینجا قصد تشریح برنامه صدروزه بایدن را ندارم ولی یکی از این قول وقرارها درمورد واکسیناسیون عمومی مردم در مقابل کرونا بود. از پاسخ این سوال که کارآمدی دیگر دولت ها در این حوزه چه اندازه بوده است، می گذرم. به هرحال او وعده داده بود برای بیشتر از ۱۰۰ میلیون نفر از آمریکایی ها، در طول این ۱۰۰ روز واکسن تهیه کند؛ وعده ای که دست مایه کارتون سیاسی این هفته «آرجی ماتسون»، کارتونیست کاربلد آمریکایی، شده است. این اثر سه روز پیش تر دقیقا ۴۸ ساعت مانده به پایان فرصت صدروزه بایدن کشیده شده بود و با ساعت شماری که به جای شماره روی لباس بایدن حک شده بود، در نشریه TheWeek و برخی خبرگزاری ها منتشر شد. ماتسون با شوخ طبعی خاص خودش، بایدن را به شکل بازیکن افسانه ای بیس بال «جولتین جو دی ماجیو» کشیده است که سعی می کند با چوب بیس بال ضربه ای را برگرداند. زیر توضیحات مختصر این اثر هم نوشته است: «بیشتر از ۲۰۰ میلیون شوت (دوز واکسن)، در ۱۰۰ روز اول!» او با تیزهوشی و با استفاده از شباهت کلامی، به شوخی کلامی و تصویری دست زده است تا به سیاست مداران تلنگری بزند. استفاده از فرم و حالت ورزشکاری محبوب در مقابل سیاست مداری فرتوت و استفاده از کلمه shot که به معنی ضربه زدن و هم به معنی دوز واکسن است و ربط دادن این دو در یک قاب را فقط می توان از هنرمندی تیزبین مثل او انتظار داشت. همه این ریزبینی ها، با صحنه ای که او تصویر کرده است، تکمیل می شود. در این صحنه خبری از توپ نیست. تلاش بایدن معلوم نیست که به ثمر نشسته است یا نه. به عنوان کسی که نقش مدافع را دارد و وظیفه اش ضربه زدن به توپ به وسیله یک سرنگ واکسن است، به حالتش و نوع پرواز کلاه از روی کله اش دقت کنید. این صحنه را در مسابقات بیس بال زیاد می بینید. درحالی که توپ از مدافع رد شده است و در دستکش نفر پشتی آرام گرفته است، او سعی می کند مخاطب را به یاد جودی ماجیو بیندازد؛ کسی که ضربه زننده ای عالی نبود و در عوض پرتاب کننده ای فوق العاده به حساب می آمد.

پیشوای آلمان نازی چگونه خود را سربه نیست کرد؟

ترجمان

عاطفه همایونی

دو هفته پایانی زندگی پیشوای آلمان نازی، آدولف هیتلر، در پناهگاهی در برلین گذشت که ۹ متر زیر زمین بود و از دیوارهای سیمانی قطورش هیچ صدایی خارج نمی شد. هنگامی که هیتلر وارد این پناهگاه شد، هنوز هم به پیروزی باور داشت. او از میان ۵۰ اتاق این قرارگاه، سه اتاق را به خود اختصاص داده بود و هر روز نقشه ها را بررسی و دستورهای جدیدی صادر می کرد. او برای قوای نظامی که به وضوح از متفقین شکست خورده بودند، آرایشی جدید تنظیم می کرد و سخنانش روز به روز بیشتر از واقعیت دور می شد. در این میان وفادارانی که هنوز به دیدن هیتلر می آمدند، هم در این بازی غرق می شدند و فراموش می کردند که دیگر حاکم سرنوشت خود نیستند. زمانی که هیتلر بالاخره متوجه شد دیر یا زود به دست روس ها می افتد، دیوانه وار به کسانی که آلمان را فروخته بودند، بدوبیراه می گفت. او معتقد بود آلمانی ها مستحق سرنوشت شومی هستند که برایشان رقم می خورد، زیرا به فرمان های ناسیونال سوسیالیسمی که پیشوا پیش رویشان قرار داده بود، عمل نکرده بودند. پیش از همه اما یهودی ها مقصر بودند. هیتلر به این نتیجه رسیده بود که چرچیل هم قطعا یهودی است، زیرا بریتانیا از سال ۱۹۴۰ به بعد، به پیشنهادهای صلح آلمان بی اعتنایی کرده بود. سرانجام هیتلر که یکی از ژنرال هایش، قانعش کرده بود هیچ نیرویی برای دفاع از برلین باقی نمانده است و برای ادامه زندگی، گزینه ای جز اسارت ندارد، به خودکشی تن داد.

هیتلر و همسرش، اوا براون، که در همان پناهگاه به طور رسمی ازدواج کرده بودند، تصمیم گرفتند با سم جان خود را بگیرند. اوا براون ۱۶ سال وفادارانه به هیتلر عشق ورزید، اما تنها ۳۶ ساعت همسر رسمی پیشوا بود. پس از مراسم ازدواج آن دو، هیتلر وصیت نامه های سیاسی و شخصی خود را به منشی اش دیکته کرد. پس از نوشتن وصیت نامه، هیتلر از ترس اینکه جسدش به صورت مومیایی در موزه های مسکو به نمایش دربیاید، دستور داد بنزین کافی برای سوزاندنش بیاورند.

در تاریخ ۳۰ آوریل ۱۹۴۵ (۱۱ اردیبهشت ۱۳۲۴) همه چیز که آماده شد، هیتلر ابتدا سم را روی سگ خودش آزمایش کرد. سم کارساز بود و سگ بیچاره گیج شد و جان داد. هیتلر یونیفرم نازی ها را به تن کرد و او اوا لباسی آبی با رگه هایی سفید پوشید. آن دو در اتاق را بستند و روی یک کاناپه کوچک کنار هم نشستند، سم را سر کشیدند و سپس هیتلر به او اوا خودشلیک کرد. هیچ صدایی از پناهگاه به بیرون درز نکرد، اما کابوس تمام شده بود، هرچند این پایان، برای چند میلیون بی گناهی که در طول جنگ جهانی دوم جان باخته بودند، بسیار دیر هنگام بود. مردی که اروپا را به جنگ جهانی کشاند و بدبختی و نابودی بی حد و حصری را در سراسر قاره گسترش داد، مرده بود. دو تن از ملازمان هیتلر، اجساد آن ها را در پارک بالای پناهگاه سوزاندند و بقایا را همان جا خاک کردند.

عجیب آنکه وفاداران هیتلر در آخرین نمایش خود برای ادای احترام به پیشوا، در پناهگاه ماندند و یک روز پس از مرگ هیتلر و اوا به زندگی خود پایان دادند. درمیان این افراد، مرگ گوبلز، وزیر تبلیغاتی هیتلر، و خانواده اش بسیار وحشتناک است. او و همسرش ماگدا عهد کردند جان تمامی فرزندانشان را بگیرند. آن ها به ۵ دختر و تنها پسر خود داروی آرام بخش دادند و وقتی بچه ها گیج شدند، به آن ها سم خوراندند. دختر بزرگ تر که ۱۲ سال داشت، در مقابل خوردن سم مقاومت کرد اما در نهایت سم را به دهانش ریختند. کودکانی که تا ۳۰ آوریل در پناهگاه بازی می کردند و می خندیدند، حالا بی جان بر زمین افتاده بودند.

هفت روز بعد از این اتفاقات، با ویرانی بیشتر آلمان، جنگ در اروپا پایان یافت و آتش جنون آدولف هیتلر برای همیشه خاموش شد.

منبع: *واشنگتن پست*، *کتاب «آلمان نازی»*، *نوشته مایکل لینچ*.

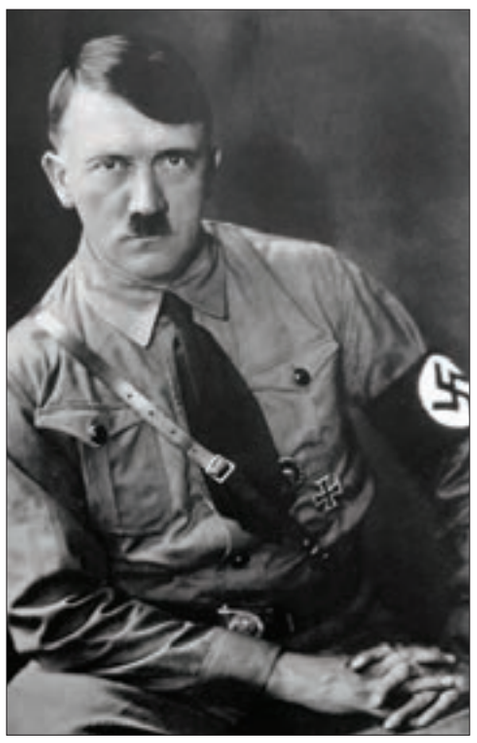

زین قند پارسی

علیرضا حیدری | مدرس ویراستاری

پرسش

به جای عبارت «کان لم یکن» در نامه های اداری چه عبارتی را پیشنهاد می کنید؟

پاسخ

به جای

...بدیهی است در صورت عدم اقدام به موقع، موضوع کان لم یکن تلقی می گردد.

بنویسیم:

...بدیهی است در صورت اقدام نکردن به موقع، موضوع تمام شده تلقی می شود.

یا

...بدیهی است در صورت اقدام نکردن به موقع، موضوع را تمام شده در نظر بگیرید.

#زین_قند_پارسی

نگاه هشتم

کارگر و خط‌های سیاه قرارداد سفید امضا

غلامرضا بنی اسدی

در کشوری که خیلی کار دارد، طبیعتا کسانی که «کار» می کنند، باید صاحب حرمت و صاحب قدر باشند. واقعیت این است که ما راه نرفته زیاد داریم. خیلی از کارهای انجام نشده هم بر ذمه مانوشته شده است، پس باید همه توانمان را بگذاریم برای کار و کار و کار. هرچه در این میان، رهزن کار و باعث حاشیه نشینی کارگر شود، باید به چشم یک «منکر» در اندیشه انقلابی و ملی دیده شود؛ یک منکر بزرگ که باید با «معروف» برنامه ریزی برای کار بیشتر با آن مقابله کرد. اینکه رهبر انقلاب چند سال پشت سر هم، شعار سال را در حوزه کار و تلاش تعریف و تبیین می فرمایند، باید متولیان امر را حساس تر کند به این حوزه راهبردی. امسال هم که «تولید، پشتیبانی ها و مانع زدایی ها» راهبرد پیش روست، باید بکوشیم تا جایی که دستمان می رسد، گره ها را بگشاییم، موانع را برداریم و حتی خود و آبروی خود را هزینه تولید ملی کنیم.

در سپهر این اندیشه بی گمان نیروی کار و عوامل میدانی تولید، جایگاه ویژه خواهند داشت. قانون گذاران باید با وضع مقررات سازنده و حمایتگرانه در این مسیر گام بردارند. اینکه گاه شنیده می شود برخی ها برای زمین گیر شدن قانون کار، طرح هایی را روی کاغذ می آورند، می توان از همان اقداماتی دانست که مانع زایی و پشتیبانی زدایی می کند. اولین مابه ازای این طرح ها، برهم خوردن آرامش کارگر است. او اگر خود را بی پناه و بی آینده ببیند، چگونه خواهد توانست برای فردای بهتر این سرزمین تلاش کند؟ وقتی امنیت کاری او آسیب ببیند، آرامش روانی اش هم دچار زلزله خواهد شد. با شرایطی چنین، چگونه می توان سازندگی را انتظار داشت؟ کارگر اگر امروزش دچار سیاهکاری قراردادهای سفیدامضا شود، فردایش را بی قراری ناشی از نداشتن پشتیبان فراخواهد گرفت و قصه معلوم است که چه پایانی خواهد داشت. به ایران فکر کنیم. به راهبرد رهبری توجه کنیم و کار و کارگر را همت بگذاریم. این خود جلوه ای از «پشتیبانی ها و مانع زدایی ها» است.

مجله عصر شهرآرا هجده شصت

برای خواندن مجله عصر شهرآرا کد را اسکن کنید